

قانون اساسی زود رس

امیرفیض- حقوقدان

برخی از آقایان عقیده توام با اصرار دارند که قانون اساسی زود رسی! نوشته شود تا زمانی که مجلس موسسان تشکیل شد معطل نماند.

چنین تصور خیرخواهانه ای شمولی بر قانون اساسی کشور ندارد زیرا:

✚ قانون اساسی یک کشور بهنگام تحولات اجتماعی از جمله انقلابات و یا قیام عمومی ضرورت وجودی پیدا میکند تا متناسب با تحولات اجتماعی و خواست مردم خاصه انقلابیون یک سند حقوقی که به منازعات سیاسی و عقیدتی از طریق اکثریت صورت قانونی میدهد، و کم و کیف حقوق دولت و مردم و سیاست های اقتصادی و آنچه که مورد نیاز جامعه کشور است را بصورت متن پیاده میکند.

✚ بنابراین قانون اساسی مترادف رویدادهای کشور و تحولات اجتماعی است که ضوابط مورد انتظار جامعه را منظم و بصورت نص درمیآورد؛ از این توضیح این نتیجه عاید است که قانون اساسی با تحولات اجتماعی و سیاسی کشور که از آن جمله است سقوط رژیم، رابطه لازم و ملزومی دارد زیرا تا معلوم نشود که تحولات اجتماعی و حقوق سیاسی مردم بر چه محوری استوار است، نمیتوان برای چیزی که نامعلوم است متن قانون اساسی تهیه کرد، این مانند آن است که مریضی که معلوم نیست چه بیماری دارد برایش نسخه نوشته شود.

✚ با هر قدر خوش بینی به سقوط جمهوری اسلامی نمیتوان تصور کرد که تحولات ناشی از سقوط احتمالی جمهوری اسلامی با چه کیفیتی همراه خواهد بود. چیزی را که نمیتوان حتی حدس زد چگونه میتوان متن قانون اساسی و حکومت نص را بر آن مقرر ساخت؟

✚ عنوان زود رس برای قانون اساسی عنوان بی محتوایی است، و در تاریخ حقوق بنده که با این اصطلاح آشنائی ندارم، زود رس یعنی چیزی که زود تر از موقع مرسوم بدست بیاید؛ موقع مرسوم را آیا میتوان در مورد سقوط احتمالی جمهوری اسلامی مشخص ساخت؟

✚ یکی از آقایان گفته است که در کتابی که نوشته؛ جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۰ سقوط میکند پس ما هم از همین حالا قانون اساسی آینده را بنویسیم. گرچه توسل به فالگیری و امثال آنها در شان آقایان نیست ولی آیا همان کتاب مورد استناد، دستآوردهای سقوط جمهوری اسلامی و نیاز روابط حقوقی مردم را هم پیش بینی کرده است، که آقایان به اعتبار آن کتاب قانون اساسی زود رس بنویسند؟

✚ مشکل بالا تنها مشکل آقایان نیست، که از تحولات حتمی بعد از سقوط جمهوری اسلامی آگاه نیستند و میخواهند قانون اساسی برای بعد از سقوط جمهوری اسلامی بنویسند.

شورای تجزیه طلبان هم به همین خود فریبی گرفتار است، آنها هم مدعی اند که دارند برای ۵۰ سال آینده ایران برنامه نویسی میکنند؛ آنها چه میدانند که جمهوری اسلامی چه بلایی بر سر این کشور خواهد آورد و تاکی این بلا حاکم بر کشور و ملت ما خواهد بود که برنامه ای برای رفع آن گرفتاری ها تهیه شود اصطلاح حرف پیشکی مایه شیشکی یعنی همین.

✚ بجای این برنامه نویسی های ۵۰ ساله و قانون اساسی زود رس نوشتن، بجاست بر معیار همان قانون اساسی مشروطیت به سراغ براندازی و پایان حکومت غاصبانه جمهوری اسلامی رفت و تلاشها برنامه نویسی ۵۰ ساله صرف برنامه ریزی برای براندازی و پایان دادن به حکومت غاصب جمهوری اسلامی شود.

✚ اگر معادله بالا یعنی براندازی جمهوری اسلامی در مسیر قانون اساسی مشروطه (۱۹۰۶) و متمم آن قرار نگیرد، انشعابات فکری و عقیدتی، مبارزه را از بزرگترین قدرت معنوی و زمینه های مساعدی که نزد مردم ایران دارد محروم خواهد ساخت.

✚ مطالعه و بررسی و تمرین تنظیم قانون اساسی بسیار هم کار خوبی است اما نه بعنوان قانون اساسی بعد از سقوط جمهوری اسلامی، بلکه بعنوان تمرین کار حقوقی شخصی، آقایان اجازه بفرمایند که این کار مهم در زمان خودش که مستلزم سقوط جمهوری اسلامی است و با سیره موجود از انقلاب مشروطیت ایران انجام گیرد. قبلا از قبول این درخواست تشکر مینمایم.

✚ در شاهراه سقوط جمهوری اسلامی و تحولات پیامد آن اگر در قالب نص حقوقی معتبر و واجد مشروعیت و کار آمدی عمل نشود کنترل تحولات در شاهراه منافع ملی ممکن نیست، منافع ملی و استقلال و تمامیت ایران حکم میکند که در مسیر فعالیت برای سقوط جمهوری اسلامی از مشروعیت تداوم اجرائی قانون اساسی و متمم آن استفاده شود و در مجلس موسسان، به نیاز متمم، آقایان از مطالعات حقوقی خودشان برای یک متمم دیگر بر قانون اساسی مشروطه، مجلس موسسان را یاری دهند

✚ یکی از آقایان به پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی زیر درخت سیب توسط بنی صدر اشاره کرده است، گرچه خبر مزبور مسلم نیست و بیشتر صحبت آقای حسن نزیه، آنهم نه زیر درخت سیب بوده است ولی موضوع قانون اساسی مورد نظر آقایان (قانون اساسی زود رس) با قانون اساسی جمهوری اسلامی واجد این تفاوت است که خمینی از سالها قبل میدانست که باید قانون اسلام را مبنای حکومت بر مردم قرار دهد، یعنی برای او لازم نبود که به نیازهای جامعه و تحولات آن توجه کند بلکه قانون اسلام را تامین کننده آنها میدانست، و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم یک چیز تشریفاتی است که اصل همان قانون شرایع است.

✚ برای استحضار بیشتر؛ آقایان در طول سالهای مبارزه کم نبوده اند که متن قانون اساسی آینده ایران را نوشته اند و با جلد رنگین آنرا منتشر هم ساختند؛ یکی از آنها شاپور بختیار بود که دستور تنظیم قانون اساسی رابه سرهنگی مقیم کانادا داد، آنها هم فکر میکردند که همین فردا و پس فردا جمهوری اسلامی ساقط میشود پس بهتر است که با نوشتن قانون اساسی نامی از خودشان

بیاد گارگذارند چه افسوس که آنها که غالباً ایرانیان وطن دوست بودند از این دنیا رفتند و جمهوری کثیف و غاصب اسلامی هنوز پابرجاست.

آیا فکر کرده اید که درمقابل تعداد نامحدود قوانین اساسی زود رس که هرکدام مدعی حقانیت آند به > کدامین میتوان دل داد< و با چه قشقرقی مواجه خواهیم بود؟

بازهم برای استحضار آقایان

در شرائط کنونی از نظراتصال حقوقی مبارزه و مشروعیت آن علیه جمهوری اسلامی فقط یک اتصال مشروع با پشتوانه های کار آمدی مثبت وجود دارد؛ انهم تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطه و متمم آن است؛ که درمقابل موقعیت جمهوری اسلامی به دلائل عدیده ای که در تحریرات آمده منطق مقابله و سلب مشروعیت ادعائی جمهوری اسلامی را کاملاً داراست. آقایان، هشیار باشید، با پیگیری قانون اساسی زود رس شکافی غیرمنطقی و نا لازم در جبهه مشروعیت تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت سبب خواهید شد که ممکن است با اعتقاد سیاسی شما به عدم مشروعیت جمهوری اسلامی هماهنگ نباشد.

بازهم درخواست قبلی را تجدید و انتظار دارد که برای یک دستمال قیصریه را به آتش نکشید یعنی برای اصرار به جا انداختن قانون اساسی زود رس خودتان بدعت گذاری نشوید که اینکار هم مانند سازمان و حزب درست کردن از هر گوشه جهان قانون اساسی زودرس بجوشد.